

طبرین

| | | |
|---------------------|---|--|
| سرشناسه | : | فاتحی، محسن، ۱۳۵۶ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : | طبرخون/ محسن فاتحی. |
| مشخصات نشر | : | تهران: آماره، ۱۳۹۸. |
| مشخصات ظاهری | : | ۳۴۰ ص. |
| شابک | : | 978-600-7446-63-8 |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیا |
| موضوع | : | نثر فارسی -- قرن ۱۴ |
| موضوع | : | Persian prose literature -- 20th century |
| شناسه افزوده | : | بختی، مهدی - ویراستار |
| رده بندی کنگره | : | ۱۳۹۸ ط ۲۲ الف / ۸۳۵۶ PIR |
| رده بندی دیویی | : | ۸۸۶۲ / ۸ فا |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۵۵۴۸۹۴۹ |

طبرخون

محسن فاتحی



© Nashr-e- Amareh, MMXIX



عنوان کتاب: طبرخون

نویسنده: محسن فاتحی

ویراستار: مهدی بختی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۶-۶۳-۸

چاپ اول، ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده

فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۲۱-۶۶۹۵۱۳۲۳ و ۰۹۱۲۷۹۶۹۱۴۶

نماینده‌گی فروش: تهران، خیابان انقلاب، روپروی دانشگاه تهران، بین دانشگاه و فجر رازی،

پلاک ۱۲۱۲، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۰۲۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

«که خواهدم رهاند
از هر مگاک و زندان؟
که خواهدم گذرانند
از توفان دریای متلاطم؟
که آن سوی دیوارها رهنمونم شود؟
و از خندق خواهدم گذرانند؟
تن مردمان، مرغان هوا، ماهیان دریا، چهارپایان و حشرات
که از اینان خواهدم رهاند؟
که رستگارم خواهد کرد
از آن بلندی‌های بلعنده
ژرفای بلعنده
همه دوزخ و تنگی؟»

سرودنامه هویدگان

فهرست

۱. آسیمه هوشان..... ۹
۲. با دو «ملنگ» در گورستان کهنه عبدالله کاتب..... ۱۳
۳. سورئالیسم نیکی و خوش..... ۴۹
۴. چالِ بلا..... ۸۱
۵. اقرار و مرگ ماه موکا..... ۹۳
۶. خون سیاووش، مهر سیاووش..... ۱۳۱
۷. سلاسلِ ظلمت..... ۱۳۷
۸. دیدار با شیطان و دستیارش..... ۱۳۷
۹. سفر با اللّوخ و اغلبک به روزگار مجوس اقدمین..... ۱۴۳
۱۰. دادخواهی و ذکر مصیبت منترها در شوادان قلعه سلاسل شوشتر..... ۱۵۶
۱۱. سه ایزود از روزگار کُناار..... ۱۷۴
۱۲. سه ایزود از روزگار شروانه..... ۱۸۸
۱۳. رخساره گشودن روزگار کهن ظلمت و خروس سفید..... ۱۹۵
۱۴. متجاهرِ قجری..... ۲۰۱
۱۵. قوسِ کتف..... ۲۰۱
۱۶. اثر پیگالیون؛ مترسک و شاهزاده قجری..... ۲۱۲
۱۷. روایت ۸۱۷ روز درد چشم میرزا منصور فرزند بصیرالملک شیبانی..... ۲۲۹
۱۸. آن چه چشم شنید و گوش دید..... ۲۴۱

۹. خُروشَتگ ۲۴۷
- ۷ بانگ خروس سفید ۲۴۷
- ۷ سفر با نور بَع و بوقی پاسبان به روزگارِ محوس اقدمین ۲۵۳
- ۷ در پیش‌گاه اینشوشیناک روی پل‌بند سیاه منصور ۲۷۰
- ۷ پدواختگ در چغازنبیل ۲۷۵
- ۷ سه ایزود از روزگارِ کُنار ۲۸۳
- ۷ سه ایزود از روزگارِ شروانه ۲۹۴
- ۷ روایت روزگار اورمزد بغ مجسمه ۳۰۹
۱۰. رهایی ۳۳۳

۱.

آسیمه هوشان

رنگ من رنگ طبرخون است؛ به همین خاطر اسمم را با رنگ قرمز نوشته‌اند. اسم بقیه آبی رنگ است. بار نخست که بستری شدم اسم من را مانند بقیه با رنگ آبی نوشتند. شاید چون آن موقع باور نمی‌کردند. چرا باید باور کنند؟ پزشک‌ها چه می‌دانند شیطان چیست؟ شاید هم شیطان را طوری برای‌شان توصیف کرده بودم که در ذهن‌شان آبی نقش بسته بود. این بار اما رنگ طبرخون است؛ رنگ خود شیطان؛ سرخ و شفاف و عنابی؛ شبیه شال نیکی‌وخش؛ شبیه چوب‌دست آن مرد. دکتر نگاهی به همکارش می‌کند. می‌گوید: «دفعه پیش هم همین حرف‌ها را زده است. با جزئیات کم‌تر؛ خیلی کم‌تر.»

اسم‌شان دکتر است؛ یعنی پزشک روان‌شناس یا روان‌پزشک. یعنی کسانی که از روی علائم رفتاری می‌کوشند فرد را در مقوله‌های علمی مندرج در کتاب‌های دانشگاهی بگنجانند. خوب بود که باز رنگ من رنگ طبرخون بود. عالی‌ترین رنگ.